فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی۱، تابستان ۹۴، صفحات ۴۱-۶۸

تحلیل فضایی نماگرهای توسعه‌ی فرهنگی استان هرمزگان با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی

سیّد علی حسینی[۱]، علی احمدی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۳۱

چکیده

در سال‌های اخیر مطالعات فراوانی در زمینه‌ی توسعه انجام شده که همه‌ی آن‌ها بر محور توسعه‌ی اقتصادی نیست، بلکه ایده‌ی نقش فرهنگ در توسعه- یا به‌عنوان یکی از مباحث توسعه- مطرح گردیده است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تحلیلی- کاربردی است که در آن بر اساس مدل‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس به تحلیل یافته‌های مورد نظر اقدام شده است. اطّلاعات مورد نیاز به شیوه‌ی میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده و بر اساس ۴۸ شاخص مختلف که در این تحقیق برای سنجش توسعه‌یافتگی فرهنگی استان هرمزگان در نظر گرفته شده، تحلیل شده‌اند. نتایج یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی آن است که بر اساس روش تاپسیس، شهرستان ابوموسی با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۵۴ و کسب رتبه‌ی اوّل به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان و خمیر با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۰۳ و کسب رتبه‌ی یازدهم به‌عنوان محروم‌ترین شهرستان در مقایسه با دیگر شهرستان‌های استان شناخته شده‌اند. هم‌چنین طبق رتبه‌بندی با استفاده از مدل تاکسونومی عددی، بندرعباس با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۶۶ برخوردارترین شهرستان و خمیر با ضریب توسعه‌یافتگی ۱/۰۷ محروم‌ترین شهرستان معرّفی شده است. آن چه کاملاً مشهود است وجود نابرابری فاحش میان شهرستان‌های استان از نظر درجه‌ی توسعه‌یافتگی فرهنگی است.

واژه‌های کلیدی: نماگرهای فرهنگی، توسعه‌ی فرهنگی، تفاوت‌های ناحیه‌ای، هرمزگان.

[۱] استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور استان گیلان hosieniali@pnu.ac.ir

[۲] دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران Ahmadi_2009@live.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدّمه و طرح مسأله

امروزه مقوله‌ی توسعه، دغدغه‌ی بسیاری از کشورهاست، امّا تعریفی که مورد توافق عموم باشد، برای آن ارائه نشده است. اصولاً توسعه به منزله‌ی تغییر بنیادی در متغیّرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه محسوب می‌شود و تحقّق آن مستلزم ایجاد هماهنگی میان ابعاد آن است (راندینلی[1]، ۱۳۶۶: ۱۳۰). توسعه جریانی چندبعدی است و زیربخش‌های متعدّدی چون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در برمی‌گیرد که شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری هر یک از آن‌ها به‌وجود آمده است (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱: ۵۴). اقتصاددانان نیز پذیرفته‌اند که توسعه‌ی واقعی، توسعه‌ی همه‌جانبه است و سخن‌گفتن از توسعه‌ی فرهنگی تنها لفظ و استعاره نیست، بلکه توسعه‌ی فرهنگی جزء جدانشدنی توسعه است و امروزه اثر آن بیش از پیش آشکار شده است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۳۹). در برخی مطالعات، توسعه‌یافتگی بر اساس سطح زندگی و میزان رفاه مورد سنجش قرار گرفته است. بنابراین آموزش، بهداشت، مسکن، تغذیه‌ی مناسب، حمل و نقل و ... به‌عنوان متغیّرهای توسعه‌یافتگی تلقّی شده‌اند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۶). تغییرات اجتماعی- اقتصادی دهه‌های اخیر، عدم تعادل منطقه‌ای و تمرکز بیش از حدّ امکانات در برخی مناطق و محرومیّت دیگر نقاط را در پی داشته است. در نتیجه، بعضی مناطق در مقایسه با برخی مناطق دیگر کشورها از عملکرد مناسب‌تر و بهتری برخوردار بوده‌اند که این امر نشان‌دهنده‌ی ضعف برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است. در واقع، عدم توجّه به همه‌ی مناطق، موجب ایجاد نابرابری توسعه در مناطق یک کشور می‌شود. در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه‌یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوّت و ضعف آن‌ها اهمّیّت دارد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). در این راستا، فهم تئوری‌ها و تکنیک‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای و راه‌های دست‌یابی به توسعه‌ی منطقه‌ای به‌عنوان یک ضرورت در دنیای آکادمیک مطرح شده است. بنابراین، سطح‌بندی مناطق مختلف یک استان با استفاده از این تکنیک‌ها و روش‌ها در خور توجّه است؛ زیرا با شناخت میزان برخورداری هر یک از شهرستان‌های موجود در محدوده‌ی یک استان، می‌توان میزان آشفتگی توزیع امکانات و خدمات عرضه‌شده به مناطق مختلف را مشاهده کرد. ضمن آن که با کسب اطّلاعات جامع و دقیق از سطح برخورداری یا محرومیّت شهرستان‌ها، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع متناسب با نیازهای هر ناحیه مقدور خواهد شد (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱: ۵۴). هم‌جواری استان هرمزگان با کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و وجود بنادر تجاری و مناطق آزاد تجاری- اقتصادی، زمینه‌ی

[1] Rondinelli

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مبادلات فرهنگی این استان را با نظام‌های فرهنگی فراملّی و فرامنطقه‌ای فراهم کرده است. بنابراین تدوین هرگونه برنامه‌ی فرهنگی مستلزم لحاظ کردن این ویژگی و طرّاحی و مدّنظر قرار دادن سازوکارهایی است که از طریق آن بتوان ضمن تقویت مبادلات فرهنگی، آسیب‌ها و چالش‌های فرا روی فرهنگ بومی را در استان به حداقل کاهش داد.

تحقیق حاضر بر آن است تا با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و تاپسیس به بررسی، شناخت و تجزیه و تحلیل شهرستان‌های استان هرمزگان بپردازد و بر اساس شاخص‌های مورد استفاده، شهرستان‌های استان را بر مبنای میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی آن‌ها دسته‌بندی کند تا بدین ترتیب امکان مطالعه‌ی آن‌ها در گروه‌های همگن و زمینه‌ی زدودن نابرابری توسعه برای آن‌ها را فراهم آورد. در واقع، این تحقیق می‌تواند مبنای رفع نابرابری و عدم تعادل‌های موجود در استان هرمزگان باشد و در طرح‌های توسعه مورد استفاده قرار گیرد. در پژوهش حاضر، اهداف زیر مورد توجّه قرار گرفته است:

۱- تعیین میزان درجه‌ی توسعه‌یافتگی هر یک از شهرستان‌های استان هرمزگان.

۲- دسته‌بندی شاخص‌ها در چند عامل و ارائه‌ی تصویری از وضعیّت و کمبود شاخص‌های توسعه به صورت مقایسه میان شهرستان‌های استان.

پیشینه‌ی تحقیق

پس از دوران رنسانس بسیاری از عوامل فرهنگی جوامع پیشرفته‌ی کنونی که سدّی در راه توسعه‌ی سرمایه‌داری به‌شمار می‌رفته‌اند، مورد پالایش قرار گرفته‌اند. نظام سوسیالیستی و کمونیستی در پی آن بوده‌اند «انسانی اجتماعی» که نرم‌های ویژه‌ای را پذیرا باشد، به‌وجود آورند و در سرمایه‌داری، انسانی را که فقط رجحان‌های خود را می‌شناسد و بر اساس آن‌ها حرکت و رفتار می‌کند، در مدل های اقتصادی خود مفروض کنند (ویلیامسون[1]، ۱۳۶۴). فرهنگ و بازار برای آن که بتوانند رفتارها و اعمال انسان را شکل دهند و توسعه‌ی اقتصادی و روابط اجتماعی را بهبود بخشند، باید با یکدیگر هماهنگ شوند؛ به‌عنوان نمونه، کشور ژاپن توانسته است از عناصر فرهنگی خود (شامل آداب و رسوم، ادب و نظایر آن) در توسعه‌ی اقتصادی بهره برد و با نهادینه کردن نرم‌های خاصّ فرهنگی نظیر سخت‌کوشی، احترام به مدیران و انضباط به توسعه‌ی اقتصادی

[1] Williamson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شگفتی دست یابد. از سوی دیگر، نه تنها توانسته فرهنگ خود را حفظ کند، بلکه آن را توسعه داده است.

درباره‌ی مقوله‌ی فرهنگ و توسعه‌ی فرهنگی، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

خلیل کلانتری (۱۳۷۴) در پژوهشی درباره‌ی شناسایی مناطق عقب‌مانده در ایران با استفاده از هفده شاخص اقتصادی- اجتماعی از طریق مدل شاخص توسعه‌ی انسانی[1] به این نتیجه رسیده است که مطابق نظریّه‌ی مرکز- پیرامون، نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کرده و موجب رشد و توسعه‌ی خود شده‌اند و در مقابل، هرچه از مرکز نواحی ایران به سمت حاشیه می‌رویم، از شدّت توسعه کاسته شده است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

زیاری (۱۳۷۹) نیز در پژوهشی در زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی استان‌های کشور، چنین نتیجه گرفته است که در میان استان‌های کشور، استان تهران به دلیل شدّت توسعه‌یافتگی فرهنگی نسبت به سایر استان‌ها ناهمگن است. گدازگر (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «انواع بوروکراسی و توسعه‌ی فرهنگی: رویکرد وبری» به این نتیجه دست یافته که بروز نتایج وارونه و ناخواسته در جوامع پیچیده‌ی امروزی، نتیجه‌ی تأکید و اصرار بیش‌تر بر حفظ و دوام سلطه‌ی سنّتی است که به دلیل عدم حاکمیّت مبانی عقلانی بر نظام اداری آن، راه را بر ظهور هرگونه توسعه‌ای می‌بندد. اکنون که جامعه‌ی ایران با گذر از مرحله فرهمندانه، ابعاد وسیعی از این نتایج ناخواسته را تجربه کرده، به یکی از بهترین مصادیق این تئوری تبدیل شده است.

رجب‌زاده (۱۳۸۲) به مطالعه‌ی فعّالیّت فرهنگی زنان ایرانی (مطالعه‌ی کتاب و نشریّه) پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که فعّالیّت فرهنگی زنان متأهّل نسبت به دختران مجرّد و نیز فعّالیّت فرهنگی زنان متأهّل خانه‌دار نسبت به زنان متأهّل شاغل کم‌تر است. شایان (۱۳۸۳) در پژوهشی درباره‌ی تنگناهای توسعه‌ی استان‌های مرزی کشور به این نتیجه رسیده که تفاوت‌هایی بنیادی میان استان‌های مرزی و بقیه‌ی استان‌های کشور وجود دارد. وابستگی اقتصادی این مناطق به کشورهای هم‌جوار، واگرایی فرهنگی و سیاسی و در پی آن تضعیف هویّت و اقتدار و امنیّت ملی از تبعات منفی این امر است.

تقوایی و قائد رحمتی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی استان‌های کشور» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که میان استان‌های کشور به لحاظ بهره‌مندی از فضاها و

[1] (Human Development Index) HDI

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

امکانات فرهنگی تفاوت چشمگیری وجود دارد. در این میان، استان تهران به‌عنوان تنها استان بسیار توسعه‌یافته‌ی کشور و برخی استان‌های مرزی نظیر ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، قزوین، کهکیلویه و بویراحمد، گلستان و هرمزگان به‌عنوان استان‌های بسیار محروم شناخته شده‌اند.

فاضل‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ی فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم» به این نتیجه رسیده‌اند که میان سطح برخورداری روستاها از امکانات فرهنگی و شرایط جمعیّتی رابطه‌ی معناداری وجود داشته، امّا میان برنامه‌ریزی فرهنگی و شرایط اجتماعی و جغرافیایی هیچ رابطه‌ی معناداری یافت نشده است. تقوایی و صبوری (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی با عنوان «تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان» چنین نتیجه گرفته‌اند که پراکنش سطح توسعه نامتعادل بوده و میان شهرستان‌های استان هرمزگان از نظر توسعه‌یافتگی ناهماهنگی دیده می‌شود که این تفاوت و پراکندگی در بخش‌های مختلف آموزشی، بهداشت و درمان، فرهنگی و رفاهی و زیربنایی وجود دارد.

هم‌چنین در سطح جهانی در سال (۲۰۰۰) مک‌کان در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست‌های فرهنگی توسعه‌ی اقتصاد محلّی: مفهوم‌سازی، محلّی‌سازی و فرایندهای سیاست شهری»، به بررسی رقابت بر روی چگونگی ترسیم سندهای چشم‌انداز آینده‌ی محلّات در روند سیاست‌های محلّی مختلف تمرکز کرده است. کارول رزنستاین (۲۰۱۱) نیز در مقاله‌ی خود با عنوان «توسعه‌ی فرهنگی و محلّه‌های شهری»، به بیان چهار ویژگی توسعه‌ی فرهنگی و تأثیر این ویژگی‌ها در توسعه‌ی فرهنگی و زندگی فرهنگی محلّات پرداخته است.

مبانی نظری

چالش‌های توسعه پیچیده هستند، امّا می‌توان با آن‌ها روبه‌رو شد. هر کشور و جامعه‌ای باید در جهت تأمین مقتضیّات توسعه‌ی اجتماعی و بهره‌برداری از محیط زیست خود با توجّه به میراث فرهنگی و وضع اکولوژیک خاصّ خویش عمل کند. به‌نظر می‌رسد خودشناسی و آگاهی جامعه، یکی از الزام‌های همیشگی این فرایند باشد (پورمحمّدی و زالی، ۱۳۸۴: ۴۰). در دهه‌های اخیر مطالعات بیش‌تری درباره‌ی توسعه انجام شده است که تنها در زمینه‌ی مقوله‌ی اقتصادی نیست، بلکه شاخص‌های بیش‌تری را برای توسعه‌ی همه‌جانبه در برمی‌گیرد. توسعه‌ی انسانی که از سوی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سازمان ملل و از جانب آمارتیاسن مطرح شد، مشتمل بر شاخص‌های دیگری چون آموزش و بهداشت نیز است. در سال‌های اخیر نیز ایده‌ی نقش فرهنگ در توسعه- یا به‌عنوان یکی از مباحث توسعه- مطرح شده است (مارانا[1]، ۱۳۸۹: ۳). امروزه نقش فرهنگ در مباحث توسعه، از محورهای مورد توجّه صاحب‌نظران است. کارشناسان توسعه، فرهنگ و زندگی را جدایی‌ناپذیر می‌دانند؛ زیرا درک نیازهای جامعه، نیازمند توجّه به عوامل فرهنگی است (لنسکی، ۱۳۷۴). سخن‌گفتن از توسعه‌ی فرهنگی تنها لفظ و استعاره نیست، بلکه توسعه‌ی فرهنگی جزء جدانشدنی توسعه است و امروزه اثر آن بیش از پیش آشکار شده است. ظاهراً به اندازه‌ی کافی روشن است که توسعه بدون هرگونه تغییر اجتماعی نامحتمل است (هیگینز و ساویه، ۱۳۸۸: ۵۲). درباره‌ی اثر فرهنگ بر توسعه می‌توان به ایجاد دارایی‌های فراوانی از قبیل مهارت‌ها و محصولات فرهنگی اشاره کرد که در ارتقای رفاه جامعه اثر به‌سزایی دارند.

کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه، یکی از مهم‌ترین معیارهایاساسی توسعه به‌شمار می‌رود. مفهوم توسعه علاوه بر رشد در همه‌ی جهات، توزیع متعادل را نیز در برمی‌گیرد (تقوایی و قائد رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

در اقتصاد توسعه، میزان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی یکی از شاخصه‌های سنجش توسعه‌یافتگی نظام فرهنگی محسوب می‌شود. رویکرد دست‌یابی به رشد و رونق فرهنگی بدون فراهم ساختن زمینه‌های توزیع عادلانه و بهره‌مندی مردم از کالاها و خدمات فرهنگی و هنری در چارچوب اصل حاکمیّت مصرف، میسّر نیست. نکته‌ی مهم آن است که به هنگام سخن‌گفتن از نابرابری امکانات فرهنگی، نه تنها به عدالت محیطی بلکه به ارتباط و پیوستگی آن با مفاهیم توسعه‌ی اجتماعی و سیاسی هم باید توجّه شود؛ امری که در سال‌های اخیر گفتمان جهانی آن دارای روند بارزی بوده است (سازمان ملل، ۱۳۸۵)[2].

توجّه به رهیافت تعادل و توازن منطقه‌ای، کاهش ناهمگونی و نابرابری‌های منطقه‌ای و بخشی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای توزیع هدف‌هایی که برحسب ویژگی‌های ساختاری، امکانات و محدودیّت‌های هر منطقه تغییر می‌کنند، مستلزم مطالعه و شناخت اهمّیّت خصوصیّات هر منطقه با توجّه به جایگاه آن در کلّ سیستم منطقه‌ای است.

[1] Maraña
[2] (United Nations, 2006)

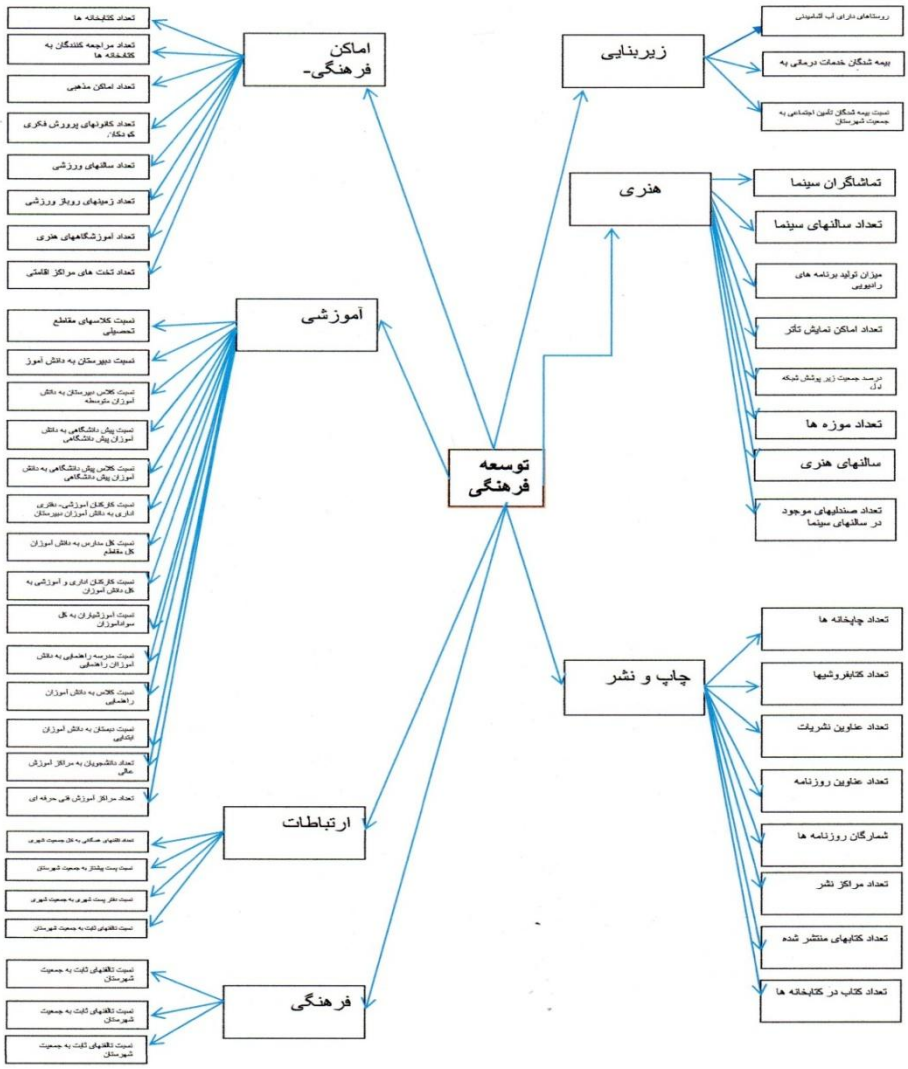
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

با اعلام دهه‌ی جهانی توسعه‌ی فرهنگی، به‌تدریج زمینه برای دست‌یابی به الگویی متناسب با شرایط فرهنگی و تاریخی- اجتماعی جوامع به‌اصطلاح عقب‌مانده فراهم می‌گردد و به جای پذیرش الگویی واحد از توسعه و پیش‌فرض‌های نظری آن، سعی می‌شود الگویی سازگار و متناسب با بافت تاریخی- فرهنگی جوامع مختلف توصیه شود (افروغ، ۱۳۷۹: ۶۴).

از آن جا که یکی از علل عدم توسعه‌یافتگی فرهنگی استان هرمزگان حاکمیّت نظریّه‌ی مرکز- پیرامون بر نحوه‌ی توزیع امکانات و خدمات فرهنگی در استان عنوان شده است، در ادامه توضیحاتی درباره‌ی این نظریّه ارائه می‌شود.

برای درک ساختار فضایی مناطق و پیش‌بینی تغییر و تحوّلات روند توسعه، فریدمن الگوی مرکز- پیرامون را عرضه می‌کند. از نظر فریدمن، هر نظام جغرافیایی شامل دو زیرنظام فضایی است؛ یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویایی نظام است و دیگری، پیرامون که می‌توان آن را بقیه‌ی نظام به‌شمار آورد و در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد (هیلهورست، ۱۳۷۰: ۲۶-۲۷). رابطه‌ی مرکز- پیرامون را اصولاً می‌توان رابطه‌ای استعماری دانست. معمولاً بروز یک ساختار قطبی‌شده، با جابه‌جایی عوامل اصلی تولید از حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



شکل شماره‌ی یک- مدل مفهومی تحقیق

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تعاریف مفاهیم

توسعه، توسعه‌ی انسانی و توسعه‌ی فرهنگی

با وجود ارائه‌ی تعاریف متعدّد از «توسعه»، تعریف جهان‌شمولی از آن ارائه نشده و محافل مختلف، معانی متفاوتی برای توسعه ذکر کرده‌اند (عظیمی، ۱۳۷۷: ۱). پروگفیلا[1] (۱۹۸۸) توسعه را پیشرفت به سوی اهدافی نظیر کاهش فقر، بیکاری و برابری (لانگ[2]، ۱۳۶۷: ۱۰)، حسینی (۱۳۷۰) توسعه را افزایش تولید و بازدهی، ارتقای سطح کمّی و کیفی زندگی، ارتقای سطح خدمات بهداشتی- درمانی و تأمین نیازهای اقتصادی- اجتماعی (حسینی،۱۳۷۰: ۱۸۵) و نورمن[3] (۱۹۸۸) نیز توسعه را تأمین نیازهای اساسی دانسته است (شهبازی، ۱۳۶۹: ۴۷). از سویی می‌توان توسعه را به مفهوم کاهش نابرابری قلمداد کرد. در این نگاه، توسعه از یک‌سو به معنای کاهش فقر، بیکاری و نابرابری و از سوی دیگر، به معنای شرایط صنعتی شدن و ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت و دموکراسی است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۶).

توسعه به مفهوم بهبود کیفیّت زندگی؛ کیفیّت زندگی سه جنبه دارد:

الف) ارتقای سطح زندگی از طریق فرایندهای مناسب رشد اقتصادی.

ب) استقرار آن دسته از نظام‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که مشوّق شأن و منزلت انسان هستند.

ج) افزایش آزادی‌های فردی، افزایش رفاه جمعی و تنوّع کالاها و خدمات مصرفی (مدرسی، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

توسعه‌ی انسانی بر اساس تعریف سازمان ملل عبارت است از بهبود شاخص‌های سه‌گانه‌ای که برای کشورها پیشنهاد شده است. بر این اساس، این نوع توسعه، میزان بالای امید به زندگی، سطح آموزش و درآمد است (سازمان ملل، ۱۳۸۸).

اندیشه‌ی توسعه‌ی فرهنگی به‌عنوان موضوع سیاست ملّی به‌ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل، از حدود سال ۱۹۵۰ قوّت گرفت و رواج یافت. طی دهه‌ی ۱۹۵۰-۱۹۶۰ که به ده ساله‌ی اوّل توسعه شهرت یافته، تحوّل پرمعنایی روی داد و مفهوم توسعه گسترش، تنوّع و عمق پیدا کرد. در دهه‌ی ۱۹۶۰-۱۹۷۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه‌ی فرهنگ

[1] Progfila
[2] Long
[3] Norman

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

وضع و به‌تدریج مرسوم شد که از مهم‌ترین آن‌ها «توسعه‌ی فرهنگی و سیاست فرهنگی» بوده است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۴).

مقوله‌ی فرهنگ از مهم‌ترین مسائل مؤثّر بر توسعه در جوامع انسانی است. فرهنگ، فرایندی پویاست که مردم در آن به‌طور جدّی در ساخت زندگی گروهی درگیر هستند (استفنسون[1]، ۱۳۸۷: ۱۲۹). اصطلاح توسعه‌ی فرهنگی در سال‌های اخیر رایج شده است و می‌تواند به تضادّی که میان سنّت و مدرنیته و میان مکان‌ها و سکونت‌گاه‌ها وجود دارد، پایان بخشد (فاضل‌نیا، توکلّی و تاجبخش، ۱۳۸۹).

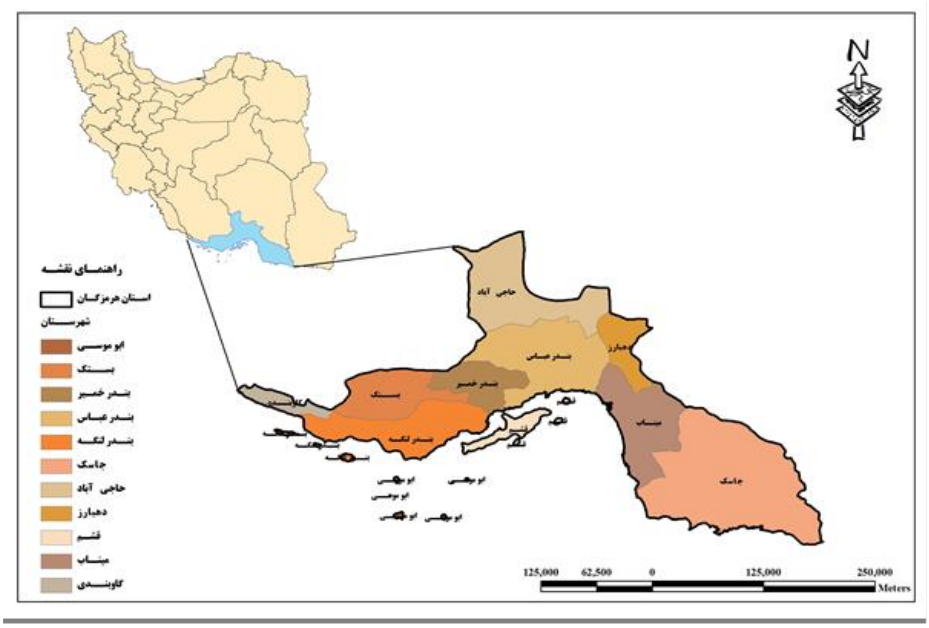
مواد و روش‌ها

۱- محدوده و قلمرو پژوهش

استان هرمزگان یکی از استان‌های جنوبی کشور است که بین مختصّات جغرافیایی ۲۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۲۸ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این استان حدود ۶۸ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد که از این نظر هشتمین استان کشور است. هرمزگان از جهت شمال و شمال شرقی با استان کرمان، از غرب و شمال غربی با استان‌های فارس و بوشهر و از شرق با سیستان و بلوچستان همسایه است و جنوب آن را آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان در نواری به طول تقریبی ۹۰۰ کیلومتر در برگرفته است. هرمزگان بر اساس تقسیمات سیاسی سال ۱۳۸۵، دارای ۱۱ شهرستان به نام‌های ابوموسی، بستک، بندرعباس، بندرلنگه، جاسک، حاجی‌آباد، خمیر، رودان، سیریک، قشم و میناب است. در سال ۱۳۹۰ جمعیّت استان ۱۵۷۸۱۸۳ نفر بوده است (نتایج عمومی سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). بندرعباس مرکز سیاسی و اداری استان است و به دلیل قرار گرفتن در دهانه و کناره‌ی خلیج فارس و نزدیکی به تنگه‌ی مهم و استراتژیک هرمز، از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی اهمّیّت دارد (افشار سیستانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

[1] Stephenson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



شکل شماره‌ی دو- موقعیّت جغرافیایی استان هرمزگان و شهرستان‌های آن در کشور و استان

۲- روش تحقیق

رویکرد حاکم بر این پژوهش، تحلیلی- کمّی است. محدوده‌ی جغرافیایی مورد بررسی، استان هرمزگان با گستره‌ای به وسعت ۶۸ هزار کیلومتر مربع است. ابتدا به طرح موضوع در قالب مقدّمه و تدوین مبانی نظری مرتبط با موضوع پرداخته شده است. سپس با استفاده از ۲۳ شاخص خدماتی و اجتماعی در بخش‌های مختلف فرهنگی- مستخرج از سال‌نامه‌ی آماری سال ۱۳۹۰ استان هرمزگان- به تحلیل سطوح توسعه‌ی فرهنگی شهرستان‌های استان اقدام شده و در ادامه، نحوه‌ی توزیع امکانات فرهنگی در استان مورد بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین برای سنجش سطح برخورداری شهرستان‌های استان در ارتباط با شاخص‌های فرهنگی از مدل‌های تاکسونومی و تاپسیس استفاده شده است.

۳- فرضیّه‌های تحقیق

۱ - به‌نظر می‌رسد میان شهرستان‌های استان هرمزگان به لحاظ برخورداری از نماگرهای توسعه‌ی فرهنگی نابرابری وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۲ - به‌نظر می‌رسد موقعیّت جغرافیایی استان هرمزگان به لحاظ مرزی بودن در کشور، تأثیر مستقیمی بر سطح توسعه‌ی فرهنگی استان دارد.

٤- متغیّرها و شاخص‌های پژوهش

در این تحقیق ۴۸ شاخص توسعه انتخاب و پس از نرم‌سازی و استاندارد کردن، به شرح جدول شماره‌ی یک دسته‌بندی شده‌اند:

جدول شماره‌ی یک- شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش پیش رو

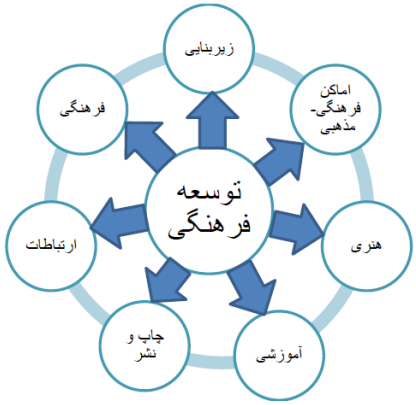
Q	شاخص‌های پژوهش		Q	شاخص‌های پژوهش		Q	شاخص‌های پژوهش	
P1	تعداد کتابخانه‌ها	شاخص‌های چاپ و نشر	Z1	نسبت تعداد روستاهای دارای آب به کلّ روستاها	شاخص‌های زیربنایی	E6	نسبت کارکنان آموزشی- دفتری و اداری	شاخص‌های آموزشی
P2	تعداد کتاب‌فروشی‌ها		Z2	نسبت تعداد بیمه‌شدگان خدمات روستایی به کلّ جمعیّت روستایی		E7	نسبت کلّ مدارس به دانش‌آموزان کلّ مقاطع	
P3	تعداد عناوین نشریّات		Z3	نسبت تعداد بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی به کلّ جمعیّت شهرستان		E8	نسبت کارکنان به کلّ مدارس و به کلّ دانش آموزان	
P4	تعداد عناوین روزنامه		R1	تعداد کتابخانه‌ها	شاخص‌های فرهنگی مذهبی	E9	نسبت آموزش‌یاران به کلّیه‌ی سوادآموزان	
P5	شمارگان روزنامه		R2	تعداد مراجعه‌کنندگان به کتابخانه		E10	نسبت مدارس راهنمایی به دانش‌آموزان راهنمایی	
P6	تعداد مراکز نشر		R3	تعداد اماکن مذهبی		E11	نسبت کلاس به دانش‌آموزان راهنمایی	
P7	تعداد کتاب‌های منتشر شده		R4	تعداد کانون‌های پرورش فکری کودکان		E12	نسبت دبستان به دانش‌آموزان ابتدایی	
P8	تعداد کتاب در کتابخانه‌ها		R5	تعداد سالن‌های ورزشی		E13	نسبت دانشجویان در مراکز آموزش عالی	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

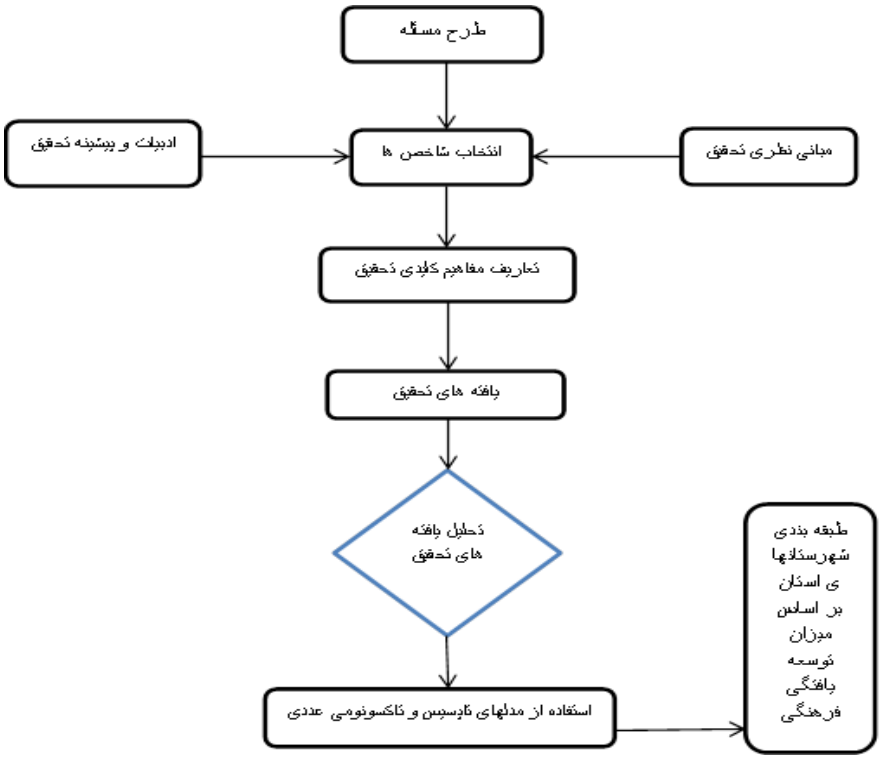
ادامه جدول شماره‌ی یک- شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش پیش رو

Q	شاخص‌های پژوهش		Q	شاخص‌های پژوهش		Q	شاخص‌های پژوهش	
A1	تماشاگران سینما	شاخص‌های هنری	R6	تعداد زمین‌های روباز ورزشی		E14	تعداد مراکز آموزش فنّی- حرفه ای	شاخص‌های آموزشی
A2	تعداد سالن‌های سینما		R7	تعداد آموزشگاه-های هنری		C1	نسبت کلّ باسوادان به کلّ جمعیّت روستایی	شاخص‌های فرهنگی
A3	میزان تولید برنامه‌های رادیویی		R8	تعداد تخت تأسیسات اقامتی		C2	نسبت کلّ باسوادان مرد به کلّ مردان	
A4	تعداد اماکن نمایش تئاتر		E1	نسبت کلاس‌ها به کلّ مقاطع تحصیلی	شاخص‌های آموزشی	C3	نسبت کلّ باسوادان به کلّ جمعیّت زنان	
A5	درصد جمعیّت زیر پوشش شبکه‌ی اوّل		E2	نسبت دبیرستان به دانش‌آموزان		T1	تعداد تلفن‌های همگانی به کلّ جمعیّت شهری	شاخص‌های ارتباطات
A6	تعداد موزه‌ها		E3	نسبت کلاس دبیرستان به دانش‌آموزان		T2	نسبت پست پیشتاز به کلّ جمعیّت شهرستان	
A7	سالن‌های هنری		E4	نسبت پیش‌دانشگاهی به دانش‌آموزان		T3	نسبت دفتر پست شهری به جمعیّت شهری	
A8	تعداد صندلی‌های موجود در سالن‌های سینما		E5	نسبت کلاس پیش‌دانشگاهی به دانش‌آموزان		T4	نسبت تلفن‌های ثابت به جمعیّت شهرستان	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



شکل شماره‌ی سه- شاخص‌های مورد مطالعه در تحقیق



شکل شماره‌ی چهار- مراحل انجام تحقیق

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۵- روش‌ها و فنون تحلیل

در این تحقیق برای تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان هرمزگان از دو روش تاکسونومی و تاپسیس استفاده شده است.

۵-۱- روش تاکسونومی عددی

روش تاکسونومی یکی از روش‌های سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق است. این روش برای نخستین بار از سوی «آندرسون» در سال ۱۹۶۳ م. پیشنهاد شد و در سال ۱۹۶۸م. به‌عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی و درجه‌ی توسعه‌یافتگی میان ملل از سوی پورفسور هلوینگ[۱] از مدرسه‌ی عالی اقتصاد در یونسکو مطرح گردید (زیاری، ۱۳۸۳، ۱۳۷). در این روش برای تعیین واحدها یا انواع موضوعات همگن در یک فضای برداری سه‌بعدی و بدون استفاده از رگرسیون، واریانس و آنالیز هم‌بستگی قادر خواهد بود یک مجموعه را به یک زیرمجموعه‌ی کم و بیش همگن تقسیم کند. بنابراین، روش یادشده می‌تواند یک مجموعه را به زیرمجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کرده، مقیاسی را که مورد استفاده در امر برنامه‌ریزی باشد، برای شناخت درجه‌ی توسعه‌یافتگی ارائه دهد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۰: ۲۳۶). بدین لحاظ این روش می‌تواند به‌عنوان معیار مناسبی برای شناخت ابعاد رشد اجتماعی و اقتصادی محدوده‌ی مورد نظر، استفاده شود (بدری، ۱۳۸۲: ۸۹).

۵-۲- تکنیک تاپسیس[۱]

یکی از روش‌های رتبه‌بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌هاست، روش تاپسیس است. تاپسیس تکنیکی مفید در برخورد با شاخص‌های مختلف است و برای حلّ مشکلات دنیای واقعی به تصمیم‌گیرندگان در تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی متغیّرها کمک می‌کند (لی، شیور[۲]، ۱۳۸۸: ۸۰۱). در این روش، علاوه بر در نظر گرفتن فاصله‌ی یک گزینه Ai از نقطه‌ی ایده‌آل، فاصله‌ی آن از نقطه‌ی ایده‌آل- منفی هم در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین ماتریس اصلی داده‌ها با استفاده از معیار ارزش برای هر یک از گزینه‌ها تشکیل می‌گردد (بولگورجو[۳]، ۱۳۹۱: ۱۰۳۴). در نهایت، گزینه‌ها بر اساس کم‌ترین فاصله از راه حل ایده‌آل مثبت بوده و در عین حال بر اساس دورترین فاصله از راه حل ایده‌آل منفی رتبه‌بندی می‌شوند (بیان و لی[۴]، ۱۳۸۴: ۱۲).

[1] TOPSIS
[2] Lee, Shyur
[3] Bulgurcu
[4] Byun. Lee

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

الگوریتم تکنیک تاپسیس:

قدم نخست- تبدیل ماتریس تصمیم‌گیری موجود به یک ماتریس «بی‌مقیاس شده» با استفاده از فرمول:

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^{m} r_{ij}^{\ 2}}}$$

قدم دوم- ایجاد ماتریس «بی‌مقیاس» وزین با مفرض بودن بردار W به‌عنوان ورودی به الگوریتم؛ یعنی:

(مفرض از DM) $W = \{w^1, w^2, \ldots\} \approx$

$$\begin{vmatrix} v_{11,\ldots} & v_{1j,\ldots} & v_{1n,\ldots} \\ v_{m1,\ldots} & v_{mj,\ldots} & v_{mn} \end{vmatrix} = v = N_D . w_{n\times n}$$

ماتریس بی‌مقیاس شده وزین به‌طوری که N_D ماتریسی است که امتیازات شاخص‌ها در آن «بی‌مقیاس» و قابل مقایسه شده است و $w_{n\times n}$ ماتریسی است قطری که فقط عناصر قطر اصلی آن غیر صفر خواهد بود.

قدم سوم- مشخّص کردن راه حل ایده‌آل و راه حل ایده‌آل- منفی

برای گزینه‌ی ایده‌آل (A^+) و ایده‌آل منفی (A^+) تعریف کنیم:

گزینه‌ی ایده‌آل $= A^+ = \{(\max v_{ij} \mid j \in J), (\min v_{ij} \mid j \in J') \mid i = 1,2,\ldots m)\}$

$$= \{v_1^+, v_2^+, \ldots\ldots, v_j^+, \ldots\ldots, v_n^+\}$$

گزینه‌ی ایده‌آل منفی $= \{(\min v_{ij} \mid j \in J), (\max v_{ij} \mid j \in J') \mid i = 1,2,\ldots m)\}$

$$= \{v_1^-, v_2^-, \ldots\ldots, v_j^-, \ldots\ldots, v_n^-\}$$

قدم چهارم- محاسبه‌ی اندازه‌ی جدایی (فاصله)

فاصله‌ی گزینه i ام با ایده‌آل با استفاده از روش اقلیدسی بدین قرار است:

فاصله‌ی گزینه i ام از ایده‌آل $= \{\sum_{i=1}^{n} (v_{ij} - v_j^+)^2\}^{0/5}; i = 1,2,\ldots\ldots, m = d_{i+}$

فاصله‌ی گزینه i ام از ایده‌آل- منفی $= \{\sum_{i=1}^{n} (v_{ij} - v_j^-)^2\}^{0/5}; i = 1,2,\ldots\ldots, m = d_{i-}$

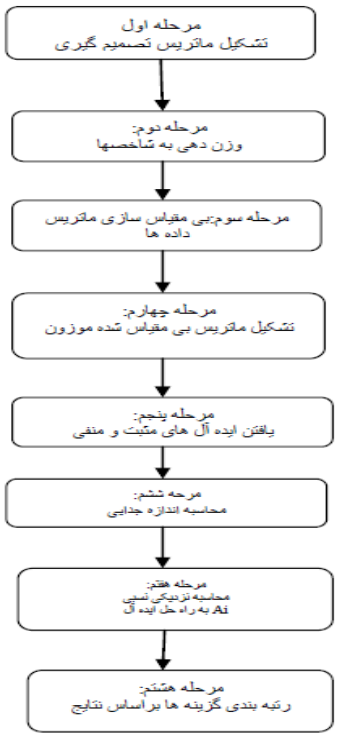
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

قدم پنجم- محاسبه‌ی نزدیکی نسبی A_i به راه حل ایده‌آل. این نزدیکی نسبی را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

$$cl_{i+} = \frac{d_{i-}}{d_{i+} + d_{i-}} \qquad 0 \le cl_i + \le 1; i = 1,2,..m ;$$

ملاحظه می‌شود که چنان‌چه $A_i = A^+$ گردد، آن‌گاه $d_{i+} = 0$ بوده و خواهیم داشت: l_{i+} c = 1 و در صورتی که $A_i = A^-$ شود، آن گاه $d_{i-} = 0$ و c = 0 I_{i+} خواهد شد. بنابراین هر اندازه گزینه‌ی A_i به راه حل ایده‌آل (A^+) نزدیک‌تر باشد، ارزش I_{i+} به واحد نزدیک‌تر خواهد بود (دمیرلی[1]، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

قدم ششم- رتبه‌بندی گزینه‌ها. بر اساس ترتیب نزولی می‌توان گزینه‌های موجود را از مسأله‌ی مفروض رتبه‌بندی کرد.



شکل شماره‌ی پنج- مراحل انجام تکنیک تاپسیس

1 - Demireli

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

براساس کتاب «کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای»، حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۶۳- ۳۶۷.

یافته‌های پژوهش

با استفاده از داده‌های جمع‌آوری‌شده در بخش فرهنگی، شامل ۴۸ نماگر در قالب تکنیک تاکسونومی عددی و تاپسیس، نتایج زیر به‌دست آمده است.

مطابق تکنیک تاپسیس، شهرستان ابوموسی در میان سایر شهرستان‌های استان حائز رتبه‌ی اوّل بوده و به عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان استان، دارای کم‌ترین فاصله با حالت ایده‌آل توسعه‌یافتگی است. شهرستان خمیر نیز با کسب رتبه‌ی یازدهم به‌عنوان محروم‌ترین شهرستان در مقایسه با دیگر شهرستان‌های استان، در واقع بیش‌ترین فاصله را با حالت ایده‌آل توسعه‌یافتگی فرهنگی دارد (جدول شماره‌ی دو).

جدول شماره‌ی دو- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان هرمزگان از لحاظ شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی بر اساس مدل تاپسیس

رتبه	تاپسیس	
	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی
۱	ابوموسی	۰/۵۴
۲	جاسک	۰/۴۴
۳	بندرعباس	۰/۴۲
۴	میناب	۰/۲۳
۵	بندرلنگه	۰/۲۱
۶	پارسیان	۰/۱۸
۷	قشم	۰/۱۸
۸	حاجی آباد	۰/۱۵
۹	بستک	۰/۱۳
۱۰	رودان	۰/۱۱
۱۱	خمیر	۰/۰۳

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی سه- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان هرمزگان در شاخص‌های فرهنگی بر اساس شاخص اولویّت تکنیک تاپسیس

رتبه	شهرستان	فاصله از ایده‌آل مثبت	فاصله از ایده‌آل منفی	شاخص اولویّت
۱	ابوموسی	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۵۴
۲	جاسک	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۴۴
۳	بندرعباس	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۴۲
۴	میناب	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۲۳
۵	بندرلنگه	۰/۱۷	۰/۰۵	۰/۲۱
۶	پارسیان	۰/۱۷	۰/۰۴	۰/۱۸
۷	قشم	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۶
۸	حاجی‌آباد	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۱۵
۹	بستک	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۱۳
۱۰	رودان	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۱۱
۱۱	خمیر	۰/۱۹	۰/۰۱	۰/۰۳

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

هم‌چنین بر اساس نتایج رتبه‌بندی حاصل‌شده از مدل تاکسونومی عددی، برخوردارترین شهرستان استان، بندرعباس با ضریب توسعه‌یافتگی ۰/۶۶ و محروم‌ترین شهرستان استان نیز خمیر با ضریب توسعه‌یافتگی ۱,۰۷ معرّفی می‌شود (جدول شماره‌ی چهار).

جدول شماره‌ی چهار- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان هرمزگان از لحاظ شاخص‌های فرهنگی بر اساس مدل تاکسونومی عددی

رتبه	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی
۱	بندرعباس	۰,۶۶
۲	جاسک	۰,۸۴
۳	ابوموسی	۰,۸۵
۴	بندرلنگه	۰,۹۳
۵	قشم	۰,۹۳
۶	حاجی‌آباد	۰,۹۶
۷	میناب	۰,۹۶
۸	پارسیان	۰,۹۷
۹	بستک	۰,۹۷
۱۰	رودان	۰,۹۸
۱۱	خمیر	۱,۰۷

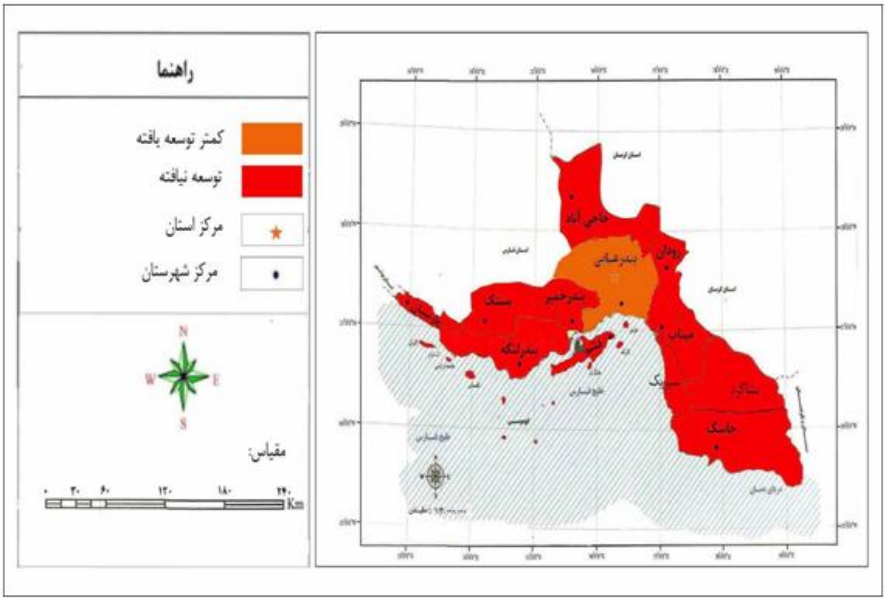
(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی پنج- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان هرمزگان بر اساس روش تاکسونومی عددی

ردیف	وضعیّت توسعه	شهرستان	تعداد	درصد
۱	توسعه‌یافته	-	-	-
۲	نسبتاً توسعه‌یافته	-	-	-
۳	کمتر توسعه‌یافته	بندرعباس	۱	۹
۴	توسعه‌نیافته	جاسک، ابوموسی، بندر لنگه، قشم، میناب، حاجی‌آباد، بستک، رودان، پارسیان، بشاگرد، خمیر	۱۰	۹۱

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)



شکل شماره‌ی شش- توزیع فضایی میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی شهرستان‌های استان هرمزگان

مقایسه‌ی نتایج کاربرد روش‌های مختلف سنجش توسعه‌یافتگی

روش‌ها و مدل‌های گوناگونی مانند آنالیز اسکالوگرام، تاکسونومی، تحلیل عاملی و مدل موریس برای سنجش سطح برخورداری و میزان توسعه‌یافتگی مناطق وجود دارد که هر یک دارای محاسن و معایبی است. هدف نهایی از گزینش آن‌ها شناخت وضع موجود و تعیین و تحلیل میزان فاصله‌ی آن تا وضع مطلوب برای کمک به مدیریّت شهری در توزیع بهینه‌ی امکانات و خدمات است. بدین منظور در این مقاله تعداد ۴۸ شاخص در سطح استان هرمزگان با استفاده از مدل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تاکسونومی عددی و تاپسیس مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع، روش‌های مختلف الزاماً جواب‌های یکسانی در پی ندارند. اگرچه مدل‌ها و تکنیک‌های به‌کار گرفته‌شده نتایج کاملاً یکسانی نداشته‌اند، امّا رتبه‌ی شهرستان خمیر در هر دو مدل مورد استفاده، کاملاً یکسان بوده است.

جدول شماره‌ی شش- رتبه‌بندی شهرستان‌های استان هرمزگان با استفاده از روش‌های مورد مطالعه‌ی سنجش سطح توسعه‌یافتگی

رتبه	تاکسونومی		تاپسیس	
	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی	شهرستان	ضریب توسعه‌یافتگی
۱	بندرعباس	۰/۶۶	ابوموسی	۰/۵۴
۲	جاسک	۰/۸۴	جاسک	۰/۴۴
۳	ابوموسی	۰/۸۵	بندرعباس	۰/۴۲
٤	بندرلنگه	۰/۹۳	میناب	۰/۲۳
٥	قشم	۰/۹۳	بندرلنگه	۰/۲۱
٦	حاجی‌آباد	۰/۹۶	پارسیان	۰/۱۸
۷	میناب	۰/۹۶	قشم	۰/۱۶
۸	پارسیان	۰/۹۷	حاجی آباد	۰/۱۵
۹	بستک	۰/۹۷	بستک	۰/۱۳
۱۰	رودان	۰/۹۸	رودان	۰/۱۱
۱۱	خمیر	۱/۰۷	خمیر	۰/۰۳

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

همان‌گونه که ارقام جدول شماره‌ی شش، نشان می‌دهد بر اساس ضریب توسعه‌یافتگی به‌دست آمده از هر روش، رتبه‌ی شهرستان‌ها متفاوت و در نوسان است. با این حال، در هر دو روش به‌کار گرفته‌شده در زمینه‌ی رتبه‌بندی و سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی، خمیر محروم‌ترین شهرستان معرّفی شده است. هم‌چنین شهرستان‌های بستک و رودان به ترتیب نهمین و دهمین جایگاه را در میان سایر شهرستان‌های استان به لحاظ توسعه‌یافتگی، در هر دو تکنیک به‌کار گرفته‌شده به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نکته‌ی کاملاً بارز، وجود تفاوت و نابرابری در توزیع امکانات و خدمات فرهنگی میان شهرستان‌های استان است که تبعات این امر به صورت عدم توسعه‌ی فرهنگی برخی شهرستان‌ها نظیر خمیر، رودان، بستک و ... آشکار شده است.

موضوعی که نباید از آن غفلت کرد ضعف و محرومیّت استان هرمزگان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های فرهنگی در سطح ملّی است. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته از سوی آقایان دکتر زیاری، تقوایی، قائد رحمتی و شایان که در پیشینه‌ی موضوع بدان‌ها اشاره شده است، استان هرمزگان در رده‌ی استان‌های محروم کشور قرار دارد که نمود عینی آن در فقر امکانات و خدمات فرهنگی در سطح شهرستان‌های این استان مشهود است. مطابق نظریّه‌ی مرکز- پیرامون، نواحی مرکزی امکانات را در خود متمرکز کرده و موجب رشد و توسعه‌ی خود شده‌اند. در مقابل، هرچه از مرکز ایران به سمت حاشیه می‌رویم از شدّت توسعه کاسته شده است (کلانتری، ۱۳۷۴: ۱۲۴). در واقع، نبودِ فرصت‌های برابر در توزیع منابع و وجود نظام برنامه‌ریزی مرکزگرا، از عمده‌ترین دلایل این وضعیّت در سطح ملّی و منطقه‌ای است. این شرایط بر ساختار فضایی استان هرمزگان نیز حاکم است.

هم‌چنین رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی ملّی و منطقه‌ای کشور در همه‌ی برنامه‌ها از الگوی توسعه‌ی مرکز- پیرامون پیروی می‌کند. در واقع، حجم بیش‌تر سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی استان هرمزگان را شهرستان بندرعباس به‌عنوان مرکز استان از آنِ خود کرده و مقدار اندکی از سرمایه‌گذاری فرهنگی نصیب سایر شهرستان‌ها شده است. برای توضیح بیش‌تر حجم سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی در استان، به توزیع فضایی برخی از این شاخص‌ها در استان می‌پردازیم.

تعداد کتاب‌فروشی‌های استان در مجموع ۲۸ باب است که ۱۹ باب آن در شهر بندرعباس و ۹ باب باقی‌مانده در سایر شهرستان‌ها دایر هستند. البتّه بیش‌تر این کتاب‌فروشی‌ها در زمینه‌ی کتب درسی و کمک درسی فعّالیّت دارند و کم‌تر کتاب‌فروشی‌ای در سطح استان می‌توان یافت که در زمینه‌ی فروش کتب تخصّصی و عمومی فعّال باشد. هم‌چنین استان هرمزگان دارای ۳۹ باب کتابخانه‌ی عمومی است که ۲۷ باب آن در مناطق شهری و ۱۲ باب آن نیز در مناطق روستایی قرار دارد. ضمن آن که در حال حاضر در مناطقی از استان مانند شهرستان‌های خمیر و ابوموسی تنها یک باب کتابخانه عمومی دایر است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

با وجود افزایش جمعیّت و گستردگی استان، در حال حاضر تنها ۲ سینمای فعّال با ۴۰۰ صندلی و برخورداری از امکانات جدید، در کلّ استان وجود دارد که هر دو در شهرستان بندرعباس قرار دارند و در مرکز خرید ستاره‌ی جنوب و ستاره‌ی شهر بندرعباس واقع شده‌اند. بنابراین دیگر شهرستان‌های استان فاقد سینما هستند.

مؤسّسات فرهنگی که اهمّیّت آن‌ها بر کسی پوشیده نیست، از مراکز مهمّ هدایت سیاست‌های فرهنگی به‌شمار می‌آیند. استان هرمزگان دارای ۳۴ مؤسّسه‌ی فرهنگی- هنری است که ۴ مؤسّسه در ۴ شهرستان استان (قشم، رودان، میناب و بندر لنگه) فعّالیّت دارند و بقیه‌ی مؤسّسات نیز در مرکز استان متمرکز هستند. هم‌چنین استان هرمزگان در حال حاضر دارای ۲۴ چاپخانه است که ۱۴ مورد آن در مرکز استان و بقیه در شهرستان‌ها مشغول فعّالیّت هستند.

در مجموع می‌توان گفت شهرستان بندرعباس در مقایسه با دیگر شهرستان‌های استان، با جذب فرصت‌های اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی، امکانات، رفاه و ثروت و نیروی انسانی ماهر و متخصّص از نواحی پیرامونی، توسعه و گسترش پیدا کرده و اثرات انتشاراتی و فضایی مفیدی بر نواحی پیرامونی به لحاظ توسعه نداشته است (سند فرهنگی استان هرمزگان، ۱۳۸۵).

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره‌ی شش نشان می‌دهد همه‌ی شهرستان‌های استان به جز بندرعباس در رده‌ی شهرستان‌های محروم استان جای دارند. بنابراین با توزیع نامتعادل منابع و امکانات فرهنگی در سطح استان مواجه هستیم. این امر، فرضیّه‌ی اول تحقیق حاضر را تأیید می‌کند.

برای تأیید این موضوع که موقعیّت مرزی استان هرمزگان تأثیر مستقیمی بر میزان توسعه‌نیافتگی فرهنگی استان و شهرستان‌های آن داشته، از استدلالات زیر استفاده شده است؛ تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی موجب تمرکز امکانات و فضاهای فرهنگی در برخی استان‌ها گردیده است و در نتیجه، تعداد بسیار زیادی از استان‌ها نظیر استان هرمزگان به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی کشور، از امکانات و فضاهای فرهنگی محروم هستند؛ این بدان معناست که از پتانسیل‌های موجود این استان‌ها نیز استفاده نمی‌شود. توزیع متعادل فقط به معنای دادن امکانات و فضاهای فرهنگی نیست، بلکه معنای وسیع‌تر آن، استفاده از توان بالقوّه‌ی استان‌های محروم نیز است. علی‌رغم برخورداری برخی استان‌ها از توان بالقوّه‌ی فرهنگی، تاکنون از این ظرفیّت‌ها استفاده نشده و این عدم استفاده، خود به معنای عدم تعادل است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بنا بر آن چه گفته شد، فرضیّه‌ی دوم پژوهش حاضر نیز قابل پذیرش است؛ زیرا مطابق مطالعات ذکرشده در ادبیّات موضوع (تحقیقات انجام‌شده از سوی آقایان زیاری، تقوایی، قائد رحمتی و شایان)، محقّقان متّفق‌القول بر این عقیده‌اند که موقعیّت مرزی استان‌ها تأثیر مستقیمی بر توسعه‌نیافتگی آن‌ها دارد. نمود عینی این پدیده در استان هرمزگان کاملاً مشهود است.

نتیجه‌گیری

روش‌ها و مدل‌های گوناگونی برای سنجش سطح برخورداری و میزان توسعه‌یافتگی مناطق وجود دارد که هر یک دارای محاسن و معایبی است، امّا هدف نهایی از گزینش آن‌ها شناخت وضع موجود و تعیین و تحلیل میزان فاصله‌ی آن تا وضع مطلوب برای کمک به مدیران و مسؤولان ذیربط در توزیع بهینه‌ی امکانات و خدمات است. بدین منظور در این مقاله تعداد ۴۸ شاخص در سطح استان هرمزگان با استفاده از مدل تاکسونومی عددی و تاپسیس، مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است. در مجموع، روش‌های مختلف الزاماً جواب‌های یکسانی در پی نخواهد داشت.

نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهد که پراکنش سطوح توسعه، نامتعادل بوده است و میان شهرستان‌های استان هرمزگان ناهماهنگی توسعه‌ای به شرح زیر دیده می‌شود: مطابق تکنیک تاکسونومی، شهرستان بندرعباس حائز رتبه‌ی اوّل است و شهرستان خمیر در انتهای طیف رتبه‌بندی قرار دارد. با جانمایی نماگرهای توسعه‌ی فرهنگی در قالب مدل تاپسیس نیز ابوموسی رتبه‌ی اوّل و خمیر رتبه‌ی آخر را داراست. وجه تمایز و تشابه این دو روش در این است که شهرستان‌های بستک، رودان و خمیر در هر دو روش دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی هستند. وجه تمایز موجود، جابه‌جایی نه چندان محسوس رده‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌هاست؛ به‌گونه‌ای که بندرعباس در روش تاپسیس، رتبه‌ی سوم و در روش تاکسونومی رتبه‌ی اوّل را کسب کرده امّا شهرستان جاسک در هر دو روش، رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است.

نکته‌ی قابل توجّه، نابرابری موجود و کاملاً بارز میان شهرستان‌های استان است. تمرکز امکانات و خدمات در بخش‌های مختلف از جمله فرهنگی منجر به توزیع ناموزون امکانات فرهنگی در شهرستان‌های استان شده است؛ به‌گونه‌ای که شهرستان بندرعباس به‌عنوان نخستین شهر استان، بیش‌تر امکانات و خدمات موجود در استان را بلعیده است. در این میان، ابوموسی که با توجّه به شرایط خاصّ خود، شهرستان است، به‌عنوان یکی از شهرستان‌های ایران و جنوبی‌ترین

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جزیره‌ی آن، دارای موقعیّت ویژه‌ای است و دولت در جهت سیاست‌های کلّ نظام یعنی وجود جمعیّت پایدار و ثابت در ابوموسی، سرمایه‌گذاری مناسب و کارهای خدماتی و زیربنایی در این شهرستان انجام داده است. با حرکت به سمت شرق با شهرستان‌های محرومی چون جاسک، بشاگرد، میناب و رودان مواجه می‌شویم. عقب‌ماندگی و نارسایی‌های موجود در این مناطق، بیش از آن که ناشی از کمبود منابع و امکانات باشد، معلول عدم توجّه، شناخت و برنامه‌ریزی‌های انسانی است. به‌طور کلّی عوامل محرومیّت و عدم توسعه‌ی شهرستان‌های یادشده را می‌توان انزوای جغرافیایی، دسترسی نامناسب به نقاط پراکنده و صعب‌العبور، پایین بودن سطح دانش و تخصّص عمومی برای بهره‌برداری از امکانات موجود، حاکمیّت قدرت‌های محلّی در گذشته و عدم توجّه حکومت‌های مرکزی به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در این مناطق در طول تاریخ، محدودیّت و پراکندگی منابع آب و خاک، پوشش گیاهی و ... دانست.

پیشنهادهای زیر در راستای ارتقای سطح فرهنگی نواحی استان می‌تواند مفید باشد:

۱ – تغییر اولویّت‌های تخصیص منابع فرهنگی، امکانات و زیرساخت‌ها به نفع شهرستان‌های محروم و با توسعه‌ی فرهنگی پایین‌تر (خمیر، رودان، بستک و حاجی‌آباد).

۲ – تمرکززدایی از شهرستان مسلّط بندرعباس.

۳ – توجّه به زیرساخت‌های فرهنگی چون کتابخانه‌ها، تأسیسات و تجهیزات آموزشی، توجّه به انتشار روزنامه‌های محلّی و نشریّات ادواری، افزایش مراکز نشر، توسعه‌ی تولید برنامه‌های صدا و سیما و رفع نابرابری‌ها از شاخص‌ها.

۴ – راهبردهای رسیدن به توسعه‌ی متناسب و محرومیّت‌زدایی به گونه‌ای هدایت شود که زمینه‌ی لازم برای ارتقای شهرستان‌های محروم به حدّ متوسّط استان و نیز زمینه‌ی بهبود شاخص‌هایی که در این شهرستان‌ها با کمبود مواجه است، فراهم شود.

یادداشت:

[۱] وی روش تاکسونومی عددی را برگرفته از روش تاکسونومی به‌کار گرفت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) **جامعه‌شناسی توسعه (اصول و نظریّه‌ها)**، تهران: علم.

۲. افروغ، عماد (۱۳۷۹) **فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی**، تهران: مؤسّسه‌ی فرهنگ و دانش.

۳. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۸) **شناخت استان هرمزگان**، تهران: هیرمند.

۴. اکبریان، رضا (۱۳۸۶) «بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد»، **ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی**، سال دوم، شماره‌ی ۱۲، صص ۲۴-۳۲.

۵. بدری، سیّد علی (۱۳۸۲) **روش‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی روستایی**، جزوه‌ی درسی کارهای عملی رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.

۶. پاپلی یزدی، محمّدحسین و ابراهیمی، محمّدامیر (۱۳۸۶) **نظریّه‌های توسعه‌ی روستایی**، تهران: سمت.

۷. پاپلی یزدی، محمّدحسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲) **نظریّه‌های شهر و پیرامون**، تهران: سمت.

۸. پورمحمّدی، محمّدرضا و زالی، نادر (۱۳۸۴) «توسعه‌ی انسانی، چالش‌ها و چشم‌اندازها (با نگاهی تحلیلی به شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران)»، **نشریّه‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز**، صص ۳۷- ۵۳.

۹. تقوایی، مسعود و صبوری، محمّد (۱۳۹۱) «تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان»، **مجلّه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی**، سال بیست و سوم، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۴۶)، صص ۵۳-۵۶.

۱۰. تقوایی، مسعود و قائد رحمتی، صفر (۱۳۸۵) «تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی استان‌های کشور»، **مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای**، شماره‌ی ۷، صص ۱۱۷-۱۳۲.

۱۱. توکلّی، احمد (۱۳۸۶) «طراحی الگوی مناسب فرهنگ، تولید، توزیع، مصرف و تجارت»، **ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی**، سال دوم، شماره‌ی ۱۲، صص ۱۰-۱۵.

۱۲. جردن. تری. ج و راونتری، لستر (۱۳۸۰) **مقدّمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی**، ترجمه‌ی سیمین تولایی و محمّد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱۳. حسینی، میرعبدالله (۱۳۷۵) «مقایسه‌ی درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش‌های تاکسونومی»، **ماهنامه‌ی جهاد**، وزارت جهاد کشاورزی، شماره‌ی ۱۸۴ و ۱۸۵، صص ۵۱-۵۷.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۴. حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف (۱۳۹۰) **کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای**، یزد: علم نوین.

۱۵. رضوانی، محمّدرضا (۱۳۸۳) «سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج»، **مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای**، شماره‌ی ۳، صص ۱۴۹-۱۶۴.

۱۶. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۷۹) «سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، **مجلّه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی**، شماره‌ی ۱۶، صص ۹۱-۱۰۴.

۱۷. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۳) **اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، یزد: دانشگاه یزد.

۱۸. **سند فرهنگی استان هرمزگان** (۱۳۸۵).

۱۹. عظیمی، حسین (۱۳۷۷) **مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران**، تهران: نی.

۲۰. فاضل‌نیا، غریب؛ توکلّی، مرتضی و تاجبخش، کاظم (۱۳۸۹) «ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ی فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم»، **فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی**، شماره‌ی ۳، صص ۱۴۹-۱۷۸.

۲۱. فعّالیّت فرهنگی زنان ایرانی (۱۳۸۲) مطالعه‌ی کتاب و نشریّه، **فصلنامه‌ی پژوهش زنان**، دوره‌ی اوّل، شماره‌ی ۵.

۲۲. کلانتری، خلیل (۱۳۸۰) **برنامه‌ریزی و توسعه‌ی منطقه‌ای**، تهران: خوشبین.

۲۳. لنسکی، گرهارد وجین (۱۳۷۴) **سیر جوامع بشری**، ترجمه‌ی ناصر موفّقیان، تهران: علمی و فرهنگی.

۲۴. مایر، جرالد و سیرز، دادلی (۱۳۶۸) **پیشگامان توسعه**، ترجمه‌ی سیّد علی‌اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران: سمت.

۲۵. مدرسی، منصور (۱۳۸۵) **فرهنگ توصیفی واژگان برنامه‌ریزی و توسعه**، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

۲۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳) **آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار**.

۲۷. **نتایج عمومی سرشماری نفوس و مسکن استان هرمزگان** (۱۳۹۰).

۲۸. هیگینز، بنجامین و ساویه، دونالد (۱۳۸۸) **نظریّه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای**، ترجمه‌ی فاطمه بزازان، تهران: نی.

۲۹. هیلهورست، ژوزف (۱۳۷۰) **برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، ترجمه‌ی غلامرضا شیرازیان و دیگران، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

30. Berna(Kiran),B. (2012) «Application of TOPSIS Technique for FinancialPerformance Evaluation of Technology Firms in IstanbulStock Exchange Market, Procedia», **Social and Behavioral Sciences,** 62:1033-1040.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

31. Demireli, E. (2010) «Topsis Multi-criteria Decision-Making Method: An Examination on State Owned Commercial Banks in Turkey», **Journal of Entrepreneurship and Development**, 5:1, 101-112.

32. H.S. Byun, K.H. Lee, (2005) «A decision support system for the selection of a rapid prototyping process using the modified TOPSIS method», **International Journal of Advanced Manufacturing Technology**, 26 (11–12): 1338-1347.

33. Hsu-Shih, Sh. Huan-Jyh Sh. E. Stanley, L, (2007) «An extension of TOPSIS for group decision making», **Mathematical and Computer Modelling**, 45: 801-813.

34. Janet, S. (2008) «The Cultural Values Model: An integrated approach to values in landscapes», **Landscape and Urban Planning**, 84: 127-139.

35. Long, N. (1988) **Sociological Perspectiveon Agrarian Development and State Intervention in Development policies Sociological Perspective**, edited by Anthony Hall and James Midgley, Manchester University Press.

36. Maider M. (2010) **Culture and development Evolution and Prospects**, UNESCO.

37. UN. (2006) **Social justice in an open world, The Role of the united nations**.

38. UN. (2009) **Intellectual history project,The UN and human development**, Briefing note number 8 July .

39. Williamson, O.E, (1985) **The Economic Institutions of Capitalism**, New York/London.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]